



سبک‌های ارتباطی مفید و موثر به والدین آموزش داده شود

خانواده یکی از مؤثرترین عوامل محیطی در رشد و تحول شناختی کودک است و بسیاری از مشکلات کودکان از خانواده‌های آن‌ها ناشی می‌شود.

خانواده یکی از مؤثرترین عوامل محیطی در رشد و تحول شناختی کودک است و بسیاری از مشکلات کودکان از خانواده‌های آن‌ها ناشی می‌شود.

به گزارش ایسنا، یکی از مشخصه‌های شخصیتی که به عنوان یک سبک شخصیتی از سال‌های گذشته تاکنون در پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها مورد توجه قرار گرفته، شخصیت خودشیفته است. از بعد تاریخی خودشیفتگی یکی از مفاهیم و سازه‌های قدیمی در روان‌شناسی است که امروزه در سطح بالینی به عنوان نوعی اختلال و در سطح غیر بالینی به عنوان یک صفت شخصیتی مطرح است.

در پژوهشی با عنوان "رابطه سبک‌های ارتباطی والدین با خودشیفتگی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم شهر بیرجند" که توسط حسین جناآبادی (استاد روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان) و مژگان حسینی (کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان) با جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر شهر بیرجند انجام شده، آمده است: «خودشیفتگی، گستره وسیعی از ویژگی‌های شخصیتی شامل احساس اغراق آمیز خودستایی، تمایل به داشتن قدرت یا موفقیت نامحدود، نیاز به تحسین، محق پنداشتن خود، فقدان همدلی و بهره‌کشی و استثمار دیگران را در بر می‌گیرد. همچنین از لحاظ نظری همه انسان‌ها در مسیر رشد و تکامل شخصیتی خود و شکل‌گیری ارزش خود و اعتماد به نفس از ویژگی‌های خودشیفتگی برخوردار می‌شوند و کم و بیش درجاتی از این خصایص را نشان می‌دهند.»

در این پژوهش آمده است: «ویژگی‌های گفته شده، بسان دیگر ویژگی‌های شخصیتی، دارای کارکرد نفوذ در تعاملات بین فردی هستند و نظام تمرکز، توجه و تفسیر شناختی معینی را بر افراد تحمیل کرده و آن‌ها را به سوی نگرش‌های مثبت اغراق آمیز درباره خود و در مقابل نگرش‌های سوء استفاده‌گران از دیگر انسان‌ها سوق می‌دهد. شخصیت الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی است که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد و به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت‌های گوناگون می‌انجامد.»

محققان می‌گویند: «خانواده یکی از محیط‌های موثر در سلامت جسمی و روانی فرد در نظر گرفته می‌شود. وجود ادراکی مبنی بر فقدان محبت، تعارض و خصومت، نقش بسیار مهمی بر سلامت روان آنان می‌گذارد. بنابراین، یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار بر سازگاری دانش‌آموزان، تعاملات درون خانواده آنان است. تعامل در زندگی ما مهم بوده؛ چرا که همه از تعامل و عمق بخشیدن به درگیری در ارتباطی لذت می‌بریم. اگر قادر به تعامل با دیگران نباشیم، نتیجه نهایی آن، افسردگی خواهد بود. ارتباط در خانواده، امری مهم است؛ چرا که شیوه ناصحیح آن می‌تواند موجب تنش در خانواده شده و کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. شناخت و توصیف الگوهای ارتباطی خانواده یعنی کانال‌هایی که اعضای خانواده از طریق آن با یکدیگر به تعامل می‌پردازند، اهمیت زیادی دارد.»

یافته‌ها نشان می‌دهند: «ارتباط خانوادگی را می‌توان بر روی یک پیوستار به دو بعد همنوایی و گفت‌شنود تقسیم کرد که تمامی اعضای خانواده به شرکت در تعامل و گفت‌وگو در زمینه‌های مختلف تشویق می‌شوند. اعضای خانواده، آزادانه و مداوم با یکدیگر تعامل دارند. با ترکیب این دو جهت‌گیری، چهار سبک ارتباطی خانواده به وجود می‌آید: خانواده توافق‌کننده؛ این نوع خانواده، تاکید زیادی بر توافق و همنوایی دارند و در هر دو بعد جهت‌گیری گفت‌وگوشنود و همنوایی، نمره زیادی دارند؛ خانواده کثرت‌گرا؛ این نوع خانواده ارتباطات باز، آزاد و راحت دارند و از نظر عاطفی حمایت‌کننده هستند که در جهت‌گیری گفت‌وگوشنود نمره زیاد و در جهت‌گیری همنوایی نمره کم دارند. خانواده محافظت‌کننده؛ در این نوع خانواده، تأکید زیاد بر همنوایی و اطاعت از دیگران می‌شود که در جهت‌گیری گفت‌وگوشنود نمره کم و در جهت‌گیری همنوایی، نمره زیاد می‌گیرند؛ خانواده بی‌قید؛ حداقل تعامل بین خانواده‌ها وجود دارد و در هر دو جهت‌گیری گفت‌وگوشنود و جهت‌گیری همنوایی، نمره کمی را می‌گیرند.»

در ادامه این پژوهش‌ها آمده است: «الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود با عزت نفس و حمایت اجتماعی رابطه مثبت و با اضطراب و افسردگی رابطه منفی دارد و از سوی دیگر جهت‌گیری همنوایی با اضطراب، رابطه مثبت و با عزت نفس و

حمایت اجتماعی رابطه منفی دارد. خانواده های با گفت و شنود بالا تمایل دارند که فرزندان با مهارت های اجتماعی بالا، رشد شایستگی ها و توانمندی های میان فردی، افزایش قاطعیت در رفتار و احساس خود ارزشمندی تربیت کنند. این در حالی است که در خانواده هایی با جهت گیری همنوایی بالا، فرزندان کمرو، با حرمت نفس پایین و کم مهارت در تعاملات اجتماعی و مهارت های بین فردی تربیت می شوند. خانواده و ارتباطات میان اعضای آن از عوامل تاثیرگذار بر عملکرد و سلامت روانی نوجوانان است.»

در نتایج این پژوهش آمده است: «مولفه های اقتدارطلبی، محق بودن و برتری طلبی با سبک های ارتباطی سبک گفت و شنود ارتباط و قدرت پیش بینی کنندگی دارد و سبک ارتباطی همنوایی با هیچ کدام از این ها رابطه معنادار نداشته است. می توان گفت در شرایط مشابه، دانش آموزانی که والدین آنان دارای جهت گیری ارتباطی گفت و شنود بوده، در مقایسه با دانش آموزانی که والدین آن ها دارای جهت گیری همنوایی هستند، از احساس محق بودن، برتری طلبی و اقتدار طلبی بالاتری برخوردارند. همچنین خانواده های با گفت و شنود بالا تمایل دارند فرزندان با مهارت اجتماعی بالا، رشد شایستگی ها و توانمندی های میان فردی، افزایش قاطعیت در رفتار و احساس خود ارزشمندی تربیت کنند.

همچنین خانواده های با هم نوایی بالا که والدین مستبد و کنترل کننده هستند، تاکید دارند که فرزندان آن ها باید از تعارض و مقابله با جمع اجتناب کرده و به بزرگترها احترام بگذارند. تعاملات در این خانواده ها بر اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم تکیه داشته و بر حرف شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان تاکید کرده و انتظار می رود تا فرزندان مطابق با میل والدینشان عمل کنند.

یکی از ویژگی های خانواده های دارای جهت گیری ارتباطی گفت و شنود این است که آن ها به راحتی و مکرر بدون تعصب و آزاداندیشانه درباره طیف وسیعی از موضوعات بحث می کنند و وقتی درباره موضوعی گفت و گو می کنند به جزئیات آن توجه می کنند و به همین دلیل زمانی که پیامی به فرزندان این خانواده ها ارائه می شود، آن ها بیشتر تحت تاثیر کیفیت پیام قرار می گیرند تا خود پیام. این خانواده ها، به فرزندان خود و آنچه بیان می کنند علاقه نشان داده، از فرزندان خود حمایت می کنند، والدین نیاز به کنترل فرزندان و تصمیم گیری در مورد آنان را احساس نمی کنند.»

بر اساس یافته های بالینی این پژوهش می توان گفت: «الگوهای ارتباطی و مزایای آنان می تواند منجر به بهبود احساس محق بودن، برتری طلبی و اقتدارطلبی در دانش آموزان می شود، بنابراین، ضروری است به والدین دانش آموزان سبک های مفید و موثر، توسط رسانه ها و مراکز، آموزش رسمی داده شود.»

این پژوهش در شماره شصت و پنجم مجله روانشناسی مدرسه انجام شده است.